

پانیوم — شمارہ چہاردہ

نامیدی بہ عنوان کلیدِ آزمون ہیکل

Jeff Pippenger

2026-02-18

موضوع مقدس وہ "کلید" تھا جس نے تیسرے فرشتے کے پیغام کے آغاز میں 22 اکتوبر 1844 کی مایوسی کو کھول دیا، اور مایوسی ہی کا موضوع وہ "کلید" ہے جو تیسرے فرشتے کے اختتام پر ہیکل کی آزمائش کے مقدس کے پیغام کو کھولتی ہے۔

او مننہ کہ بہ د آسمان د بادشاہی کلیانہ درکرم؛ او ہر خہ چہ تہ یپ پر خ مکہ وتہرے، پہ آسمان کب بہ تہل شوی وی؛ او ہر خہ چہ تہ یپ پر خ مکہ خلاص کرے، پہ آسمان کب بہ خلاص شوی وی۔ متی 16:19.

این واقعیت کہ ۱۱ ستمبر ۲۰۰۱ء بہ صورت «9/11» فہمیدہ می شود، در ہماہنگی با این کہ «911» در ایالات متحدہ نماد تماس اضطراری است، بہ وسیلہ ہمان یگانہ ای طرح ریزی شدہ است کہ ہمہ چیز را طرح ریزی کرد۔ فہم نامیدی ۱۸ ژوئیہ ۲۰۲۰ ہمان چیزی است کہ امکان می دہد حرکت صد و چہل و چہار ہزار نفر بہ عنوان ہمان شناختہ شود؛ اما تنہا برای کسانی کہ می خواہند ببینند کہ عیسی امروز نیز امور روحانی را بہ وسیلہ امور طبیعی تمثیل می کند، نہ بہ گونه ای متفاوت از آنچه دو ہزار سال پیش می کرد۔ بینایی «20/20» بہترین بینایی ای است کہ می توان داشت، و نامیدی سال ۲۰۲۰ آن نشانہ راہی است کہ امکان می دہد ہیکل در تاریخ نبوی دہ باکرہ شناختہ شود۔

«مثل دہ باکرہ در متی ۲۵ نیز تجربہ قوم ادونتیسٹ را بہ تصویر می کشد۔» نبرد عظیم، ۳۹۳۔

دید بیست بیست، ہنگامی کہ با دوران دیشی برخاستہ از حقایق بنیادی ہمراہ شود، حتی بہتر است۔ پولس تعلیم می دہد کہ «ارواح انبیا مطیع ارواح انبیا ہستند»، و از این رو باکرہ ہای متی ہمان باکرہ ہایی ہستند کہ یوحنا آنان را صد و چہل و چہار ہزار تن معرفی می کند، و یوحنا ایشان را در—مکاشفہ 144—بہ عنوان باکرہ معرفی می کند۔

اینان اند کہ با زنان آلودہ نشدند، زیرا باکرہ اند۔ اینان اند کہ ہر جا برہ رود، او را پیروی می کنند۔ اینان از میان آدمیان خریدہ شدند تا نوبرہا برای خدا و برای برہ باشند۔ مکاشفہ ۱۴:۴

نخستین میوہ ہای فصل پاییز، باکرگانی ہستند کہ برہ را تا بہ درون ہیکل پیروی می کنند، و «کلید» فہم ہیکل، نومیدی سال ۲۰۲۰ است۔

اور میں داؤد کے گھرانے کی کنجی اُس کے کندھے پر رکھوں گا؛ پس وہ کھولے گا اور کوئی بند نہ کرے گا؛ اور وہ بند کرے گا اور کوئی کھول نہ سکے گا۔ یسعیاہ 22:22۔

اگر یک ادونتیسٹ قرار باشد در شمار ۱۴۴,۰۰۰ تن باشد، او بنا بر ضرورت نبوی لاجرم متحمل یاسی شدہ خواہد بود کہ در نتیجہ آرائہ یک پیشگوئی علنی نافرجام پدید آمدہ است۔

«مرا غالباً بہ مثل دہ باکرہ ارجاع می دہند، کہ پنج تن از ایشان دانا بودند و پنج تن نادان۔ این مثل تا بہ آخرین جزء آن تحقق یافتہ است و تحقق خواہد یافت، زیرا کاربردی ویژہ برای این زمان دارد و، همچون پیام فرشتہ سوم، تحقق یافتہ است و تا پایان زمان همچنان حقیقت حاضر خواہد بود۔»
Review and Herald، 19 اوت 1890۔

نبرد پانیوم در آیه پانزدهم دانیال یازده، همان نبردی است که به آیه شانزدهم می‌انجامد؛ آیه‌ای که قانون یک‌شنبه در ایالات متحده را مشخص می‌سازد.

پس پادشاه شمال خواهد آمد، و خاکریزی برپا خواهد کرد، و شهرهای بسیار مستحکم را خواهد گرفت؛ و قوای جنوب تاب مقاومت نخواهد داشت، نه قوم برگزیده او، و نیز هیچ نیرویی برای ایستادگی وجود نخواهد داشت. دانیال 11:15.

در این آیه، ایالات متحده روسیه را، همراه با قوم برگزیده روسیه، شکست می‌دهد. اما در آیه بعد، هیچ‌کس نمی‌تواند در برابر برآمدن روم ایستادگی کند؛ رومی که یهودا و اورشلیم را به‌عنوان نخستین گام در فتح جهان نشان‌گذاری می‌کند، همان‌گونه که روم به‌مثابه چهارمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس برخاست. با ایستادن در سرزمین جلال لفظی در آیه شانزده، نماد اقتدار روم لفظی در درون سرزمین جلال لفظی قرار داشت؛ و بدین‌سان، آیه چهل‌ویک را نمونه‌وار پیش‌نمایی می‌کرد، هنگامی که نشان اقتدار روم روحانی بر سرزمین جلال روحانی ایالات متحده تحمیل می‌شود.

دو شاخ وحش زمینی مکاشفه سیزدهم نمایانگر جمهوری‌خواهی و پروتستانیسم هستند. در آیه پانزدهم دانیال یازدهم، آنتیوخوس مگنوس، که به آنتیوخوس سوم و آنتیوخوس کبیر نیز شناخته می‌شود، پادشاهی جنوبی را که به‌وسیله دودمان بطلمیوسی نمایانده شده است، شکست می‌دهد. آنتیوخوس نماینده دونالد ترامپ است و پادشاه جنوب نماینده روسیه. نبرد پانیوم همان نبرد میان ایالات متحده و روسیه و قوم برگزیده روسیه است؛ نبردی که در آن آنتیوخوس پیروز شد، اما پس از آن دید که پادشاهی‌اش به‌دست روم تحت‌اللفظی—قدرت آیه چهاردهم—مغلوب گردید؛ همان قدرتی که رؤیای خارجی شاخ جمهوری‌خواه وحش زمینی را برقرار می‌سازد. رؤیای داخلی به‌وسیله شاخ پروتستان وحش زمینی نمایانده می‌شود. هر دو شاخ در نبرد پانیوم حضور دارند، زیرا پطرس نیز در آنجا به‌عنوان یک پروتستان با پیام خود از کتاب یوئیل حضور دارد.

۲۵۰ سال

هنگامی که دو خط وحش زمین را در نظر می‌گیریم، درمی‌یابیم که در سال 1776 وحش زمین صعود خود را آغاز کرد، و تا سال 1798، (بیست‌ودو سال بعد) وحش دریا در مکاشفه سیزدهم زخم مهلک خود را دریافت کرد، و وحش زمین حکومت خود را به‌عنوان ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس آغاز نمود. دویست‌وپنجاه سال بعد، در سال 2026، ما به آزمون معبد درونی که در 8 مه 2025 آغاز شد، بیدار شده‌ایم.

آن «250» سال همچنین با آنتیوخوس کبیر مرتبط است. اگر از فرمان سال 457 پیش از میلاد آغاز کنیم و از آن فرمان دویست و پنجاه سال به پیش افکنیم، به سال 207 می‌رسیم؛ هفت سال پیش از نبرد پانیوم، و ده سال پس از آن که بطلمیوس، آنتیوخوس را در نبرد رافیا شکست داد؛ همان رویدادی که در آیه یازدهم دانیال یازده به تصویر کشیده شده است. دانیال 11:11 البته خط بیرونی شاخ جمهوری‌خواه است که با مکاشفه 11:11، یعنی خط درونی شاخ پروتستان، هم‌راستا می‌شود. دانیال و مکاشفه یک کتاب واحدند، و مکاشفه از مهرها به‌عنوان نمادهای نبوت بیرونی و از کلیساها به‌عنوان نمادهای نبوت درونی موازی استفاده می‌کند.

کوروش نماینده هر سه فرمان است، زیرا نمی‌توان بدون فرمان نخست و دوم، فرمان سوم را داشت.

در باب هفتم عزرا، فرمان یافت می‌شود. آیات ۱۲-۲۶. در کامل‌ترین صورت خود، این فرمان به‌وسیله اردشیر، پادشاه فارس، در سال ۴۵۷ پیش از میلاد صادر شد. اما در عزرا ۶:۱۴ گفته شده است که خانه خداوند در اورشلیم «برحسب فرمان [«حکم»، در حاشیه] کوروش و داریوش و اردشیر، پادشاه فارس» بنا شد. این سه پادشاه، با آغاز کردن، تأیید دوباره، و تکمیل آن فرمان، آن

را به کمالی رساندند که نبوت برای مشخص ساختن آغاز ۲۳۰۰ سال اقتضا می‌کرد. با در نظر گرفتن سال ۴۵۷ پیش از میلاد، یعنی زمانی که فرمان تکمیل شد، به‌عنوان تاریخ آن حکم، آشکار شد که هر جزء معین نبوت درباره هفتاد هفته به انجام رسیده بود.» جدال عظیم، ۳۲۶.

از میان سه فرمانی که به‌وسیله کورش در سال ۴۵۷ ق.م. نمادپردازی شده‌اند، «250» سال در تاریخ میان نبرد رفح در 217 ق.م. - هنگامی که بطلمیوس چهارم، آنتیوخوس کبیر را شکست داد - و سال 200 ق.م. - هنگامی که آنتیوخوس سپس در نبرد پانیوم در آیه پانزدهم بطلمیوس را شکست داد - به پایان می‌رسد. این خط، آنتیوخوس مگنوس را با دونالد ترامپ هم‌تراز می‌سازد. در آغاز پادشاهی ششم نبوت کتاب مقدسی، از 1776 تا 1798، دوره‌ای «22» ساله وجود دارد که برآمدن پادشاهی ششم را نمایان می‌سازد. آن «22» سال همچنین تاریخی را که با عدد «22» در پایان تاریخ پادشاهی ششم، از 2001 تا 2023، نمایان شده است، به تصویر می‌کشد. «22» نماد اتحاد الوهیت با انسانیت است که در درون تاریخ پادشاهی ششم نبوت کتاب مقدسی به انجام می‌رسد؛ همان که آن وحش زمین است با شاخی بیرونی از جمهوری‌خواهی و شاخی درونی از پروتستانیسم.

کاری که مسیح با اتحادی که به‌وسیله «22» نمود یافته است به انجام می‌رساند، کار نهایی مسیح در قدس‌الاقداص است؛ همان کاری که با محو گناه نشان داده شده است، و مطابق با کتاب یوئیل، همراه با تفسیر الهام‌شده پطرس، در هنگام فروبارش باران آخر واقع می‌شود.

پس توبه کنید و بازگشت نمایید تا گناهان شما محو گردد، چون ایام تازگی از حضور خداوند فرا رسد. اعمال ۳:۱۹.

محو گناه آخرین کار کاهن اعظم آسمانی است.

«چنان‌که در ایام قدیم گناهان قوم، به‌واسطه ایمان، بر قربانی گناه نهاده می‌شد و از طریق خون آن، به‌طور رمزی، به مقدس زمینی منتقل می‌گردید، همان‌گونه نیز در عهد جدید، گناهان توبه‌کنندگان، به‌واسطه ایمان، بر مسیح نهاده می‌شود و به‌طور واقعی به مقدس آسمانی منتقل می‌گردد. و همان‌گونه که تطهیر نمونه زمینی با برداشته شدن گناهانی که آن را آلوده ساخته بود به انجام می‌رسید، تطهیر حقیقی آسمانی نیز باید با برداشته شدن، یا محو شدن، گناهانی که در آنجا ثبت شده‌اند، به انجام رسد. اما پیش از آنکه این امر تحقق یابد، باید دفترهای ثبت مورد بررسی قرار گیرند تا معلوم شود چه کسانی، از راه توبه از گناه و ایمان به مسیح، استحقاق برخورداری از فوائد کفاره او را دارند. پس تطهیر مقدس مستلزم کاری از بررسی است—کاری از دآوری. این کار باید پیش از آمدن مسیح برای نجات قوم خود انجام گیرد؛ زیرا هنگامی که او می‌آید، پاداش او با وی است تا به هر کس بحسب اعمالش بدهد. مکاشفه 22:12.» جدال عظیم، 421.

کاری که در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ آغاز شد، در اوج فریاد نیمه‌شب آغاز گردید، و این کار نیز در اوج فریاد نیمه‌شب به پایان می‌رسد؛ همان دوره‌ای که پطرس آن را زمان محو شدن گناه می‌شناسد، دوره‌ای که زمان دآوری زندگان را مشخص می‌سازد، آنگاه که «اوقات تازگی» فرا می‌رسد.

«کار دآوری تحقیقی و محو گناهان باید پیش از ظهور دوم خداوند به انجام رسد. از آنجا که مردگان باید بر اساس آنچه در کتاب‌ها نوشته شده است دآوری شوند، محال است که گناهان انسان‌ها تا پس از آن دآوری‌ای که در آن پرونده‌های ایشان باید رسیدگی شود، محو گردد. اما رسول پطرس به‌صراحت بیان می‌کند که گناهان ایمانداران «محو خواهد شد، چون ایام تازگی از حضور خداوند فرا رسد؛ و عیسی مسیح را که از پیش برای شما موعظه شده بود، خواهد فرستاد.» اعمال 3:19، 20. هنگامی که دآوری تحقیقی به پایان رسد، مسیح خواهد آمد، و پاداش او با وی خواهد بود تا به هر کس بر حسب اعمالش بدهد.» نبرد عظیم، 485.

«اوقاتِ تازگی بخشی» همچنین «اوقاتِ اعادہِ ہمہ چیزها» هستند.

پس توبہ کنید و بازگشت نمایید، تا گناہان شما محو گردد، در آن هنگام کہ ایامِ تازگی از حضور خداوند فرا رسد؛ و او عیسی مسیح را کہ از پیش بہ شما موعظہ شدہ بود، خواہد فرستاد؛ همان کہ آسمان می باید او را بپذیرد تا زمانہای اعادہِ ہمہ چیزها فرا رسد، کہ خدا از ازل بہ زبان ہمہ انبیای مقدس خود از آن سخن گفتہ است. اعمال 3:19-21.

«زمانہای تازگی» هنگامی رخ می دہد کہ «عیسی مسیح» فرستادہ می شود و این تازگی «از حضور خداوند» می آید. هنگامی کہ فرشتہ مکاشفہ دہ در 11 اوت 1840 فرود آمد، خواہر وایت تصریح کرد کہ آن فرشتہ «کسی جز خود عیسی مسیح نبود». کاری کہ مسیح در 22 اکتبر 1844 آغاز کرد، با تاریخ 1840 تا 1844 افتتاح شد؛ تاریخی کہ خواہر وایت می گوید «تجلی باشکوهی از قدرت خدا» بود، و در عین حال همان تاریخ را با فصل پنطیکاست در زمان پطرس همسو می سازد، و سپس از آن دو خط تاریخ نبوی استفادہ می کند تا بہ نزول فرشتہ مکاشفہ ہجده کہ زمین را با جلال خود روشن می سازد، اشارہای پیشگویانہ بہ آیندہ داشتہ باشد.

«فرشتہ ای کہ در اعلان پیام فرشتہ سوم متحد می شود، باید تمام زمین را با جلال خود روشن سازد. در اینجا کاری با گسترہای جهانی و قدرتی بی سابقہ پیشگویی شدہ است. جنبش ادونتی سالہای ۱۸۴۰-۱۸۴۴ جلوه ای باشکوه از قدرت خدا بود؛ پیام فرشتہ اول بہ ہر ایستگاہ بشارتی در جہان رساندہ شد، و در برخی کشورها عظیم ترین علاقہ مندی دینی پدید آمد کہ از زمان اصلاحات قرن شانزدہم تاکنون در هیچ سرزمینی دیدہ نشدہ بود؛ اما اینها باید بہ وسیلہ جنبش نیرومند تحت آخرین ہشدار فرشتہ سوم فراتر نہادہ شوند.»

”یہ کام عیدِ پنتیکست کے دن کے مانند ہوگا۔ جس طرح ’پہلی بارش‘ انجیل کے آغاز پر روح القدس کے انڈیلے جانے میں دی گئی، تاکہ قیمتی بیج کے اگ آنے کا سبب ہو، اسی طرح ’پچھلی بارش‘ اُس کے اختتام پر فصل کے پکنے کے لیے دی جائے گی۔ پھر اگر ہم خداوند کی پہچان حاصل کرنے کے لیے کوشاں رہیں تو ہم جانیں گے: اُس کا ظہور صبح کی مانند یقینی ہے؛ اور وہ ہم پر بارش کی مانند، یعنی پچھلی اور پہلی بارش کی مانند جو زمین پر برستی ہے، نازل ہوگا۔‘ ہوسیع 6:3۔ ‘پس اے صیون کے فرزندو، شادمان ہو اور خداوند اپنے خدا میں مسرور رہو: کیونکہ اُس نے تمہیں پہلی بارش اعتدال کے ساتھ دی ہے، اور وہ تمہارے لیے بارش نازل کرے گا، یعنی پہلی بارش اور پچھلی بارش۔‘ یوایل 2:23۔ ‘آخری دنوں میں، خدا فرماتا ہے، میں اپنے روح میں سے ہر بشر پر انڈیلوں گا۔‘ اور یوں ہوگا کہ جو کوئی خداوند کا نام لے گا نجات پائے گا۔‘ اعمال 2:17، 21۔

«کارِ عظیم انجیل نباید با ظہوری کمتر از قدرتِ خدا نسبت بہ آنچه آغازِ آن را ممتاز ساخت، بہ پایان برسد۔ نبوت ہایی کہ در ریزش بارانِ اول در آغازِ انجیل تحقق یافتند، بار دیگر در بارانِ آخر، در فرجامِ آن، تحقق خواہند یافت۔ اینک آن ”اوقاتِ تازگی“ است کہ رسول پطرس بہ آن نظر داشت، آنگاہ کہ گفت: ”پس توبہ کنید و بازگشت نمایید تا گناہان شما محو گردد، وقتی کہ اوقاتِ تازگی از حضور خداوند فرا رسد؛ و او عیسی را خواہد فرستاد۔“ اعمال ۳:۱۹، ۲۰۔» نبردِ عظیم، ۶۱۱۔

تحریک ادونتی از سال ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ ظہوری جلال آمیز از قدرت خدا بود کہ گشایش کارِ مسیح را در تطہیرِ قدس او بہ میان آورد۔ آن تاریخ از زمانی آغاز شد کہ عیسی، کہ بہ صورت فرشتہ اول مکاشفہ چہارہ نمایانہ شدہ است، در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ فرود آمد، چنان کہ در باب دہم مکاشفہ بہ تصویر کشیدہ شدہ است۔ ظہوری از قدرت خدا کہ در آن هنگام آغاز شد، تا گشایش دآوری تحقیقی اوج گرفت، و از این رو نمونہ ای بود از ظہوری از قدرت خدا کہ تا اختتام دآوری تحقیقی اوج خواہد گرفت۔ دورہ پایان در ۱۱ سپتامبر آغاز شد، هنگامی کہ عیسی بار دیگر بہ عنوان فرشتہ مکاشفہ ہجده فرود آمد، زمانی کہ ساختمانہای عظیم نیویورک با لمس خدا فرو افکندہ شدند، و کار دآوری تحقیقی از مردگان بہ زندگان منتقل شد۔ باران ہا هنگامی می رسند کہ عیسی فرستادہ می شود۔

عیسی تعلیم داد که برای دریافت کردن باید درخواست کنیم، و زکریا می‌گوید که باید در زمان باران آخر، باران آخر را بطلبیم. بنابراین آشکار است که برای به‌جا آوردن دستور زکریا، باید بدانید که در زمان باران آخر هستید.

از خداوند در موسم باران آخر، باران بطلبید؛ و خداوند ابرهای درخشان پدید خواهد آورد، و بارش‌های باران به ایشان خواهد بخشید، و برای هر کس، علف صحرا را. زکریا ۱۰:۱

در ۹/۱۱، عیسی همچون فرشته مکاشفه هجده نازل شد و باران آخر آغاز به باریدن کرد، اما این باران تنها بر کسانی می‌بارد که فرمان زکریا را برای «طلب باران آخر» به‌جا می‌آورند، آنگاه که از درکی اصیل برخوردار باشید که «ایام تجدید حیات» و اعاده همه‌چیز فرا رسیده است. جان باید «تشخیص دهد» که دوره نبوی باران آخر فرا رسیده است.

«ما نباید در انتظار باران آخر بمانیم. آن بر همه کسانی خواهد آمد که شبنم و بارش‌های فیضی را که بر ما فرو می‌ریزد، تشخیص دهند و آن را به خود اختصاص دهند. هنگامی که پاره‌های نور را گرد می‌آوریم، هنگامی که رحمت‌های یقینی خدا را، که دوست دارد ما بر او توکل کنیم، گرامی می‌داریم، آنگاه هر وعده‌ای به انجام خواهد رسید. [اشعیا ۶۱:۱ نقل شده است]. تمامی زمین باید از جلال خدا پر شود.» The Seventh-day Adventist Bible Commentary, volume 7, 984

در ۹/۱۱ زمان‌های تازگی آغاز شد، و محو شدن گناهان زندگان شروع گردید. آن داوری با نخستین رکن عهد سه‌مرحله‌ای ابراهیم کاملاً منطبق است. آن رکن نخست این بود که هنگامی که خداوند اسرائیل را از بندگی مصر بیرون آورد، هم قوم عهد خویش را داوری می‌کرد و هم آن امتی را که ایشان در آن به‌عنوان غریبان و بیگانگان ساکن بودند. نخستین قوم عهد، نمونه‌ای از آخرین قوم عهد بودند که همان یکصد و چهل و چهار هزار نفرند. آن قوم نبوی، در حالی که به‌مثابه شاخ پروتستان حیوان زمین داوری می‌شوند، هم‌زمان شاخ جمهوری‌خواه حیوان زمین نیز داوری می‌گردد.

قضاوت شاخ جمهوری‌خواه در پایان تاریخ آن واقع می‌شود، که همان قانون یکشنبه است. قانون یکشنبه در تحقق آیه شانزدهم به‌صورت به‌قدرت رسیدن روم بر یهودا در سال ۶۳ پیش از میلاد نمایانده شده است—که بنا بر نظر برخی از مورخان، در روز کفاره رخ داد.

انطیوخوس کبیر، در آیات ده تا پانزده نماینده ایالات متحده آمریکا است. رونالد ریگان در نبرد آیه ده پیروز شد؛ نبردی که نمونه فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در آیه چهل بود. اشعیا ۸:۸ همان نبردی را مشخص می‌سازد که در آیات ده و چهل دانیال یازده بازنمایی شده است، و این سه آیه متوازی امکان می‌دهند که روسیه به‌عنوان پیروز نبرد رافیا در آیه یازده شناسایی شود.

نبرد رافیه در آیه یازدهم، جنگ اوکراین را میان پادشاه جنوب (روسیه) و قدرت نیابتی پاپیت (اوکراین) از پیش ترسیم کرد. این جنگ به‌دست دولت اوپاما، در زمان نخستین پاپ از نیم‌کره جنوبی، آغاز شد؛ کسی که همچنین نخستین پاپ از قاره‌های آمریکا بود، هرچند از آمریکای جنوبی. «جنوب» نمادی از جهانی‌گرایی، روح‌گرایی و کمونیسم است، و نخستین پاپ جنوبی از قاره‌های آمریکا، هنگامی که جنگ آیه یازدهم فرا رسید، با رئیس‌جمهور جهانی‌گرای اوپاما همسو شد. ریگان، به‌مثابه ایالات متحده در آیه دهم، وارد اتحادی پنهانی با پاپی محافظه‌کار شد؛ سپس نازی‌های اوکراین به‌وسیله یک رئیس‌جمهور جهانی‌گرا، در دورانی از یک پاپ جهانی‌گرا، به کار گرفته شدند. ایالات متحده تحت رهبری ترامپ، اکنون در رابطه‌ای آشکار با نخستین پاپ آمریکای شمالی و به‌اصطلاح محافظه‌کار قرار دارد.

ریگن در نبرد آیه ده، با دجال نبوت کتاب مقدس اتحادی پنهانی داشت، و اوپاما نبرد آیه یازده را آغاز کرد، در دوره‌ای که پاپ نیز همچون اوپاما یک جهانی‌گرا بود. اکنون ترامپ در رابطه‌ای آشکار با پاپی موازی با ریگن قرار دارد، با این تفاوت که آن اتحاد پنهانی آغازین، اکنون به اتحادی آشکار بدل شده

است. آن سه پاپ و آن سه رئیس‌جمهور، با سه نبرد آیات ده، یازده و پانزده منطبق‌اند.

«شگفت‌انگیز است کلیسای روم در زیرکی و مکر خود. او می‌تواند آنچه را که در پیش است بخواند. در انتظار زمان خود می‌ماند، زیرا می‌بیند که کلیساهای پروتستان با پذیرفتن سبت کاذب به او ادای احترام می‌کنند و نیز خود را آماده می‌سازند تا همان را به وسیله همان ابزارهایی به اجرا وادارند که خود او در روزگاران گذشته به کار برد. آنان که نور حقیقت را رد می‌کنند، سرانجام برای اعتلای نهادی که از او سرچشمه گرفته است، یاری این قدرت خودخوانده معصوم از خطا را خواهند طلبید. اینکه او با چه آمادگی‌ای برای یاری پروتستان‌ها در این کار خواهد آمد، حدس زدنش دشوار نیست. چه کسی بهتر از رهبران پاپی می‌داند که با کسانی که نسبت به کلیسا نافرمان‌اند چگونه باید رفتار کرد؟»

کلیسای کاتولیک روم، با همه شاخه‌ها و امتداداتش در سراسر جهان، یک سازمان عظیم واحد را تشکیل می‌دهد که تحت سیطره کرسی پاپی است و برای خدمت به منافع آن سامان یافته است. میلیون‌ها پیرو آن، در هر کشور جهان، تعلیم داده می‌شوند که خود را ملتزم به وفاداری نسبت به پاپ بدانند. صرف‌نظر از ملیت یا حکومتشان، باید اقتدار کلیسا را برتر از هر اقتدار دیگر بشمارند. هرچند ممکن است سوگندی یاد کنند که وفاداری خود را به دولت متعهد سازند، با این‌همه، در پس آن، نذر اطاعت از روم قرار دارد که آنان را از هر تعهدی که مغایر با منافع آن باشد، مبرا می‌سازد.

«تاریخ بر کوشش‌های ماهرانه و پیگیر او برای رخنه کردن در امور ملت‌ها شهادت می‌دهد؛ و پس از آن که جای پاپی به دست آورد، برای پیشبرد مقاصد خود، حتی به بهای نابودی شاهزادگان و مردم، عمل کند. در سال 1204، پاپ اینوسنت سوم از پیتر دوم، پادشاه آراگون، سوگند شگفت‌انگیز زیر را گرفت: "من، پیتر، پادشاه آراگونیان، اقرار می‌کنم و وعده می‌دهم که همواره نسبت به سرورم، پاپ اینوسنت، به جانشینان کاتولیک او، و به کلیسای روم، وفادار و مطیع باشم، و پادشاهی خود را در اطاعت او به وفاداری حفظ کنم، از ایمان کاتولیک دفاع نمایم، و خیانت بدعت‌آمیز را آزار و تعقیب کنم." — Dowling, The History of Romanism, b. 5, ch. 6, sec. 55— 55— این امر با ادعاهای مربوط به قدرت اسقف اعظم روم هماهنگ است، «که برای او جایز است امپراتوران را از مقام خلع کند» و «این که می‌تواند اتباع را از وفاداری‌شان به فرمانروایان ناعادل رها سازد.» — 17— b. 3, cent. 11, pt. 2, ch. 2, sec. 9, note 17—

"اور یہ بات یاد رکھی جائے کہ روم کا فخر یہی ہے کہ وہ کبھی تبدیل نہیں ہوتی۔ گریگوری ہفتم اور اینوسنت سوم کے اصول اب بھی رومن کیتھولک کلیسیا ہی کے اصول ہیں۔ اور اگر اس کے پاس صرف طاقت ہو، تو وہ آج بھی انہیں اتنی ہی شدت کے ساتھ عمل میں لائے گی جتنی گزشتہ صدیوں میں لاتی رہی ہے۔ پروٹسٹنٹ بہت کم جانتے ہیں کہ وہ کیا کر رہے ہیں جب وہ اتوار کی سرفرازی کے کام میں روم کی مدد قبول کرنے کی تجویز رکھتے ہیں۔ جبکہ وہ اپنے مقصد کی تکمیل پر تلے ہوئے ہیں، روم اپنی قدرت کو دوبارہ قائم کرنے اور اپنی کھوئی ہوئی بالادستی کو واپس حاصل کرنے کے درپے ہے۔ ایک بار امریکہ میں یہ اصول قائم ہو جائے کہ کلیسیا ریاست کی طاقت کو استعمال کر سکتی ہے یا اس پر اختیار رکھ سکتی ہے؛ کہ مذہبی رسوم و فرائض کو دنیوی قوانین کے ذریعے نافذ کیا جا سکتا ہے؛ مختصراً، کہ کلیسیا اور ریاست کا اختیار ضمیر پر حاکم ہو—تو اس ملک میں روم کی فتح یقینی ہے۔

«کلام خدا نسبت به خطری که در شرف وقوع است هشدار داده است؛ اگر این هشدار نادیده گرفته شود، جهان پروتستان تنها هنگامی خواهد فهمید که مقاصد روم واقعاً چیست، که دیگر برای گریختن از دام بسیار دیر شده باشد. او بی‌صدا در حال رشد یافتن در قدرت است. تعالیم او نفوذ خود را در تالارهای قانون‌گذاری، در کلیساهای، و در دل‌های انسان‌ها اعمال می‌کنند. او بناهای بلند و عظیم خود را برپا می‌سازد؛ در نهانخانه‌های محرمانه آن‌ها، آزارهای پیشین او تکرار خواهند

شد. او به‌طور خزنده و بی‌آنکه مورد سوءظن قرار گیرد، نیروهای خود را تقویت می‌کند تا هنگامی که زمان ضربه زدنش فرا رسد، مقاصد خویش را پیش ببرد. تمام آنچه او آرزو دارد، موضع برتر است، و این هم‌اکنون به او داده می‌شود. ما به‌زودی خواهیم دید و خواهیم احساس کرد که مقصود عنصر رومی چیست. هر که به کلام خدا ایمان آورد و از آن اطاعت کند، از این رو ملامت و آزار را بر خود خواهد خرید.» The Great Controversy, 580, 581.

در سال ۲۰۱۶ ترامپ انتخاب شد؛ سپس جهانی‌گرایان، که بایدن نماینده آنان بود، انتخابات ۲۰۲۰ را دزدیدند، اما این امر را تنها کسانی تشخیص می‌دهند که دید 20/20 دارند. در آیه سیزده، دونالد ترامپ در سال ۲۰۲۴ «بازمی‌گردد»، با قدرتی بیش از هر زمان دیگر، و آمادگی خود را برای عصر طلایی و نیز نبرد پانیوم در آیه پانزدهم آغاز می‌کند. سپس لئوی پاپ در سال ۲۰۲۵ آمد تا رؤیا را استوار سازد؛ سومین پاپی که با سه نبرد آیات ده تا پانزده، و نیز با سه رئیس‌جمهور آن نبردها، مرتبط است. پاپ‌ها و رؤسای‌جمهور نخست و سوم محافظه‌کار به‌شمار می‌آیند، و پاپ و رئیس‌جمهور میانی جهانی‌گرا بودند. اتحاد نخست پنهانی بود، و آخری آشکار است، زیرا در آیه چهارده به‌صورت نمادی بازنمایی شده است که رؤیای ظاهری نبوت‌های ایام آخر را برقرار می‌سازد.

در 31 دسامبر 2023، کار فرشته اول، چنان‌که به‌واسطه کار فرمان نخست نمونه‌وار نشان داده شده بود، نهادن بنیاد را آغاز کرد. آزمون بنیادی بر سر این بود که آیا ویلیام میلر در تشخیص خود درست بود یا نادرست، در این‌که این روم است که رؤیا را در آیه چهارده برپا می‌سازد. شناسایی روم از سوی میلر به‌عنوان نمادی که رؤیای نبوی روزهای آخر را برقرار می‌سازد، از برخی جهات مهم‌ترین همه حقایق بنیادی میلر است. این‌که میلر چگونه به برخی دریافت‌ها رسید، تنها از راه به‌کار بستن منطق تقدیس‌شده بر زمان و اوضاع او قابل استنباط است؛ اما درباره بعضی از کشفیات نبوی او، شهادتی بسیار مشخص درباره این‌که چرا به دریافت‌های خود رسید وجود دارد. بنیادی‌ترین دریافت‌های او این بود که این روم است که رؤیا را برقرار می‌سازد.

میلر به‌طور مستقیم شهادت می‌دهد که چگونه در جست‌وجوی فهم این بود که آنچه در کتاب دانیال «برداشته شده» بود، چیست. او نه‌تنها مشخص می‌سازد که پاسخ خود را در کجا یافت، بلکه از شور و شوق خویش نیز سخن می‌گوید آنگاه که آن گوهر گران‌بهای را که در پی آن بود، کشف کرد. آپولوس هیل تفسیری بر نوشته‌های خود میلر ثبت می‌کند، و در عبارت زیر هیل توضیح می‌دهد که چگونه میلر شاگرد نبوت شد. میلر، به‌عنوان پیام‌آور نوری که در سال 1798 مهرگشایی شد، نمونه‌ای مقدس از همان کسانی است که دانیال آنان را «حکیمان» نامید که هنگامی که کتاب «مهرگشایی» می‌شود، «می‌فهمند». شهادت میلر درباره اینکه چگونه به مطالعه کتاب مقدس هدایت شد، نمونه‌ای سنجیده از سوی آن یگانه‌ای است که همه‌چیز را در اختیار و تدبیر خود دارد. به روند رشد میلر توجه کنید، زیرا او نمونه حکیمانی است که افزایش معرفت را درمی‌یابند، هرچند که آنان نیز، همچون میلر، از تاریکی گمراهی بیرون آمده باشند.

«در ماه مه ۱۸۱۶، تحت تأثیر محکومیت گناه قرار گرفتم، و آه، چه وحشتی جانم را فراگرفت! خوردن را از یاد بردم. آسمان چون برنج می‌نمود، و زمین چون آهن. بدین‌سان تا ماه اکتبر ادامه یافت، تا آنکه خدا چشمانم را گشود؛ و آه، ای جان من، چه نجات‌دهنده‌ای یافتم که عیسی باشد! گناهانم چون باری از جانم فرو افتاد؛ و آنگاه کتاب مقدس چه روشن به نظرم می‌آمد! همه‌اش از عیسی سخن می‌گفت؛ او در هر صفحه و هر سطر بود. آه، آن روز چه روز سعادت‌مندی بود! می‌خواستم بی‌درنگ به خانه، به آسمان، بروم؛ عیسی همه‌چیز من بود، و می‌پنداشتم که می‌توانم همه دیگران را نیز وادارم او را چنان‌که من دیدم ببینند، اما در اشتباه بودم.»

«در طی آن دوازده سالی که من دئیست بودم، هر تاریخی را که می‌توانستم بیابم، می‌خواندم؛ اما اکنون کتاب مقدس را دوست می‌داشتم. این کتاب از عیسی تعلیم می‌داد! با این همه، هنوز

بخش قابل ملاحظه‌ای از کتاب مقدس برای من تاریک بود. در سال 1818 یا 19، هنگامی که با دوستی—که به دیدارش رفته بودم و در زمانی که دئیست بودم مرا می‌شناخت و سخنانم را شنیده بود—گفت وگو می‌کردم، او به شیوه‌ای نسبتاً معنادار پرسید: «درباره این آیه و آن آیه چه می‌اندیشی؟» و به همان آیاتی اشاره داشت که در دوران دئیست بودنم بر آنها اعتراض می‌کردم. دریافتم که مقصودش چیست، و پاسخ دادم: اگر به من فرصت بدهید، به شما خواهم گفت که آنها چه معنا می‌دهند. «چه مقدار زمان می‌خواهی؟» پاسخ دادم: نمی‌دانم، اما به شما خواهم گفت؛ زیرا نمی‌توانستم باور کنم که خدا مکاشفه‌ای داده باشد که نتوان آن را فهمید. آنگاه مصمم شدم کتاب مقدس خود را مطالعه کنم، با این ایمان که می‌توانم دریابم روح القدس چه منظور داشته است. اما به محض آنکه این تصمیم را گرفتم، این اندیشه به ذهنم آمد—«فرض کن به عبارتی بررسی که نتوانی آن را درک کنی، چه خواهی کرد؟»

«این شیوه مطالعه کتاب مقدس آنگاه به ذهنم رسید:—واژه‌های چنین آیات را خواهم گرفت، و آن‌ها را در سراسر کتاب مقدس دنبال خواهم کرد، و بدین‌گونه معنای آن‌ها را خواهم یافت. من «تطبیق‌نامه کرودن» را در اختیار داشتم [که در سال 1798 خریداری شده بود] و به گمانم آن بهترین جهان است؛ پس آن را با کتاب مقدس برداشتم، و پشت میز خود نشستم، و هیچ چیز دیگر نخواندم، جز اندکی روزنامه‌ها، زیرا مصمم بودم بدانم کتاب مقدس چه معنا می‌دهد. از پیدایش آغاز کردم، و آهسته به خواندن ادامه دادم؛ و چون به آیه‌ای می‌رسیدم که نمی‌توانستم آن را بفهمم، در سراسر کتاب مقدس جست‌وجو می‌کردم تا دریابم چه معنایی دارد. پس از آنکه بدین شیوه سراسر کتاب مقدس را پیمودم، آه، حقیقت چه سان درخشان و جلال‌آمیز نمودار شد! آنچه را که برای شما موعظه کرده‌ام یافتم. قانع شدم که هفت زمان در 1843 به پایان می‌رسد. سپس به 2300 روز رسیدم؛ آن‌ها مرا به همان نتیجه رساندند؛ اما هیچ اندیشه‌ای در سر نداشتم که زمان آمدن نجات‌دهنده را بیابم، و نمی‌توانستم آن را باور کنم؛ لیکن نور چنان نیرومند بر من تابید که نمی‌دانستم چه باید بکنم. اکنون، با خود گفتم، باید مهمیز و لگام بر خود نهم؛ از کتاب مقدس تندتر نخواهم رفت، و از آن نیز واپس نخواهم ماند. هر چه کتاب مقدس تعلیم دهد، بدان متمسک خواهم شد. اما باز هم آیاتی بود که نمی‌توانستم آن‌ها را بفهمم.»

«این بود شیوه کلی او در مطالعه کتاب مقدس. در موقعیتی دیگر، روش خود را برای تعیین معنای متن مورد بحث ما—معنای «دائمی»—بیان کرد. او گفت: «به خواندن ادامه دادم، و هیچ مورد دیگری نیافتم که این لفظ در آن آمده باشد، مگر در دانیال. سپس آن واژه‌هایی را که با آن در ارتباط بودند، یعنی «برداشتن»، در نظر گرفتم. «او دائمی را برخواهد داشت»، «از زمانی که دائمی برداشته شود»، و غیره. به خواندن ادامه دادم، و گمان می‌کردم که هیچ نوری بر متن نخواهم یافت؛ سرانجام به 2 Thessalonians 2:7, 8 رسیدم. «زیرا سر بی‌دینی هم‌اکنون عمل می‌کند، فقط آن که اکنون بازمی‌دارد، بازخواهد داشت، تا وقتی که از میان برداشته شود، و آنگاه آن شریر آشکار خواهد گردید»، و غیره. و هنگامی که به آن متن رسیدم، آه، حقیقت چه روشن و پر جلال نمودار شد! اینجاست! آن همان «دائمی» است! خوب، اکنون، پولس از «آن که اکنون بازمی‌دارد» یا مانع می‌شود، چه مراد می‌کند؟ از «مرد گناه» و «آن شریر»، پاپی‌گری مراد است. خوب، آن چیست که مانع آشکار شدن پاپی‌گری می‌شود؟ چرا، آن بت‌پرستی است؛ پس، در این صورت، «دائمی» باید به معنای بت‌پرستی باشد.» Apollos Hale, The Second Advent Manual, 66

مشیت‌گرایانه مطالعه می‌لر، هم به واسطه عامل انسانی و هم عامل الهی، در گزارش ثبت شده است. دوست قدیمی او وی را برانگیخت، و اندیشه‌هایی که به ذهنش خطور می‌کرد، صدای فرشته جبرائیل بود؛ همان که خواهر وایت «سطر بر سطر» او را فرشته‌ای معرفی می‌کند که بارها به دیدار می‌لر آمد. او «هفت زمان» را نخستین کشف خود معرفی می‌کند و سپس ۲,۳۰۰ را به عنوان شاهد دوم بر «هفت زمان» مشخص می‌سازد، زیرا هر دو در ۱۸۴۳ پایان می‌یافتند (چنان که او در ابتدا باور داشت). آن دو

نبوت، کشفیات آلفا و امگای او هستند، و در درون رابطه نبوی با میلر، اشتباهی را مشخص می‌سازند که سموئیل اسنو آن را با پیام ندای نیمه‌شب، که «جنبش ماه هفتم» را آغاز کرد، اصلاح نمود. جنبش ندای نیمه‌شب، همان «جنبش ماه هفتم» بود هنگامی که اردوگاه اجتماع اکستر را ترک کرد، زیرا آمدن خداوند را در روز دهم ماه هفتم مشخص می‌ساخت، که در سال ۱۸۴۴ برابر با ۲۲ اکتبر بود.

هغه تپروتنه چې د دوهمې فرېنېټې د ځواکمنېدو لامل گرځي، د مېلر په هغه لومړني درک کې تمثیل شوې ده چې اووه وخته او ۲,۳۰۰ کاله دواړه په ۱۸۴۳ کې یوځای پای ته رسېدل. په دې متن کې ورپسې هغه عقیده څېړل کېږي چې څنګه مېلر دې پایلې ته ورسېد چې روم هغه نېشه ده چې رؤیا ټینګوي. د اېډوین ټسټ تاریخ بنوونکي څرګندوي چې د ویلیم مېلر ټول نبوي پوهاوي پر دې بنسټ ولاړ وو چې هغه دوه ویجاړوونکي قدرتونه پېژندلي وو. هغه دغه دوه ویجاړوونکي قدرتونه بت‌پرست روم او پاپي روم بلل، او هغه همدا دوه قدرتونه په 2 Thessalonians کې ولیدل، کله چې دې پوهې ته ورسېد چې د دانیال په کتاب کې "daily" بت‌پرست روم ته اشاره کوي. هر نبوي ماډل چې مېلر وړاندې کړی و—او خور وای ټ مور ته رابښيي چې فرېنټو بیا بیا د هغه لیدنه کوله—پر همدې پوهه ولاړ و چې روم رؤیا ټینګوي. هر یو!

از ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳، شیر سبط یهودا در حال گشودن مَهرهای مکاشفۀ عیسی مسیح بوده است. از آن زمان، آزمون بنیادین آغاز شد، و هنگامی به فرجام خود رسید که نخستین پاپ ایالات متحده آمریکا در ۸ مه ۲۰۲۵ سلطنت خود را آغاز کرد. در آن هنگام، آزمون هیکل آغاز شد.

ما این مطالب را در مقاله بعدی پی خواهیم گرفت و از ۲۵۰ سال به‌عنوان شاهدی بهره خواهیم برد تا تشخیص خود را مبنی بر این‌که آزمون بنیادی با پاپ کنونی به پایان رسید، تأیید کنیم.